



علامه طباطبائی رجوع به حدیث در تفسیر قرآن را مستلزم «دور در معنا» می‌داند

مطابق برخی از روایات معصومین (ع) برای تشخیص درستی یا نادرستی حدیث، باید آن را بر قرآن عرضه کرد؛ بنابراین حدیث نمی‌تواند به صورت بیان برای قرآن تعیین شود...

مطابق برخی از روایات معصومین (ع) برای تشخیص درستی یا نادرستی حدیث، باید آن را بر قرآن عرضه کرد؛ بنابراین حدیث نمی‌تواند به صورت بیان برای قرآن تعیین شود، زیرا در این صورت قرآن محتاج چیزی خواهد شد که در فهم درستی و نادرستی خود، محتاج قرآن است و این دور در معنا است.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی شاه‌علیزاده، پژوهشگر مؤسسه دارالحدیث قم، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) اظهار کرد: تفسیر قرآن به معنای کشف مقصود و مراد خداوند از آیات قرآن کریم است؛ یعنی ما وقتی وارد تلاوت قرآن می‌شویم، اگر معنای آن آیه برایمان روشن نبود، می‌کوشیم تا بفهمیم که مقصود خداوند از معنای این آیه چه بوده است.

وی در پاسخ به این سؤال که از منظر علامه طباطبائی تفسیر صحیح قرآن کدام است و مرز آن با تفسیر به رأی چگونه مشخص می‌شود، گفت: دیدگاه علامه طباطبائی در تفسیر قرآن این است که اگر ما بخواهیم برای فهم قرآن تلاشی کنیم، تنها راه فهم قرآن رجوع به خود قرآن است؛ بدان معنا که اگر ما خواستیم معنای آیه‌ای را برای خودمان روشن و یا به تعبیری آن را تفسیر کنیم، برای فهم این آیه باید، در صورت مواجهه با مشکلی خاص به آیات دیگر قرآن مراجعه کنیم و در کنار آیات دیگر معنای آیه را به دست بیاوریم.

این محقق و قرآن‌پژوه ادامه داد: به تعبیر دیگر نظر علامه طباطبائی آن است که آیات قرآن بر دو دسته هستند: یا آیاتی که معنای آنها روشن است (مانند محکمت‌ها) و یا این‌که معنای آن روشن نیست و تردیدی در معنا وجود دارد که قرآن از آنها به آیات متشابه تعبیر می‌کند. معنای آیات محکم روشن است و نیازی به تفسیر ندارند، اما برای فهم آیات متشابه نیاز به تفسیر آنها داریم.

وی در توضیح این مطلب اضافه کرد: اگر خواستیم آیات متشابه را بفهمیم، چاره‌ای جز آن نیست که این آیات متشابه را در کنار آیات محکم قرآن قرار دهیم و در پرتو آیات محکم، معنای آیات متشابه را به دست بیاوریم.

روایات معصومین (ع) نمی‌تواند محل رجوع برای فهم معنای قرآن باشد و یکی از دلایل آن این است که قرآن خود را «وَلَا يَأْتِيَنَّكَ لَکَلَّ شَيْءٍ» (نحل/89) نامیده و چنین کتابی که خود بیان‌کننده و روشن‌گر هر چیزی است، نمی‌تواند در فهم معنای خود محتاج غیر باشد و این غیر است که خود محتاج قرآن است.

حجت‌الاسلام شاه‌علیزاده عنوان کرد: علامه طباطبائی بحثی درباره تفسیر به رأی دارند که به مناسبت حدیثی از رسول گرامی اسلام (ص) و امام صادق (ع) وارد این بحث شده‌اند. برای نمونه در حدیث پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است که «وَلَا يَأْتِيَنَّكَ لَکَلَّ شَيْءٍ»؛ القرآن برآیه فاصاب الحق فقد اخطأ؛ هرکس قرآن را با رأی و نظر خود تفسیر کند، حتی اگر قول او موافق حق هم باشد، باز خطا کرده است.

وی در تبیین نظر علامه طباطبائی درباره مراد از این روایات اظهار کرد: از منظر ایشان مراد از این روایات آن نیست که تفسیر کردن را برای غیر معصومین (ع) ممنوع کنند؛ به عبارت دیگر این روایات ناظر بر نهی از تفسیر نیست، بلکه نهی از روش نادرست تفسیر است. از منظر علامه این حدیث و احادیث مشابه آن درصددند به ما بگویند که در تفسیر قرآن نباید با رأی و نظر خود قرآن را تفسیر کنیم، بلکه باید با رأی و نظر غیر خودمان این کار را انجام دهیم.

پژوهشگر مؤسسه دارالحدیث در تشریح مفهوم «وَلَا يَأْتِيَنَّكَ لَکَلَّ شَيْءٍ» گفت: به طور متعارف اگر ما کلامی را از کسی ببینیم یا عبارتی را در کتابی بخوانیم، طبق قواعد ادبیات و محاوره، آن کلمات را معنا می‌کنیم و مقصود گوینده را به دست می‌آوریم. از دیدگاه علامه استفاده از این روش در فهم و تفسیر قرآن نادرست است و این‌گونه نیست که ما در ارائه معنایی از یک آیه و مقصود خداوند از آن، صرفاً به فهم همین آیه، آن هم طبق قواعد ادبیات و محاوره اکتفا کنیم.

وی خاطرنشان کرد: علت نادرست بودن این روش در تفسیر قرآن آن است که قرآن اگرچه آیه‌آیه است، اما مجموعه‌ای به هم پیوسته بوده و آیات آن با همدیگر پیوند معنایی دارند و این‌گونه نیست که ما اگر آیه‌ای را به گونه‌ای معنا کردیم، در جایی دیگر، آیه‌ای دیگر را به گونه‌ای معنا کنیم که بین آنها تناقض یا اختلاف در معنا به وجود بیاید؛ بلکه این پیوند معنایی میان آیات قرآن ما را به سوی این مسئله سوق می‌دهد که در فهم آیات - بر خلاف سخنان و نوشته‌های متعارف - به کل مجموعه نگاه کنیم.

این محقق و قرآن‌پژوه اضافه کرد: از منظر علامه این نهی از تفسیر به رأی به معنای آن است که قرآن را نباید همچون کلام عادی دیگران معنا کنیم، بلکه در گستره مجموعه کل قرآن باید به معنای آن بپردازیم. بنابراین ما نمی‌توانیم این معنا را از خود ارائه دهیم و باید به غیر خودمان رجوع کنیم و این غیر از دو حالت خارج نمی‌تواند باشد: یا روایات معصومین(ع) و یا خود قرآن.

وی ادامه داد: علامه طباطبایی بر آن است که روایات معصومین(ع) نیز به دو دلیل نمی‌تواند محل رجوع برای فهم معنای قرآن باشد؛ نخست آن که قرآن خود را «وَيُنَبِّئُكُم بِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/89) نامیده و چنین کتابی که خود بیان‌کننده و روشن‌گر هر چیزی است، نمی‌تواند در فهم معنای خود محتاج غیر باشد و این غیر است که خود محتاج قرآن است؛ اگر قرآن در فهم معنای خود محتاج غیر بود، دیگر این کلام، کلام درستی نبود.

حجت‌الاسلام شاه‌علیزاده با اشاره به این‌که از سوی دیگر خود روایات نیز این معنا را نفی کرده‌اند، تصریح کرد: در برخی از روایات از رسول خدا(ص) و ائمه معصومین(ع) آمده است که اگر خواستید متوجه درست یا نادرست بودن حدیثی بشوید، آن حدیث را بر قرآن عرضه کنید؛ اگر آن حدیث موافق قرآن بود، آن را بپذیرید و اگر مخالف آن بود، حدیث را کنار بگذارید.

وی ادامه داد: بنابراین ما اگر بخواهیم حدیث را به صورت بیان برای قرآن تعیین کنیم، در واقع قرآن را محتاج حدیثی کرده‌ایم که در فهم درستی و نادرستی خود محتاج قرآن است و از همین رو، دور در معنا پیش می‌آید؛ بنابراین آن غیر، چیزی جز خود قرآن نمی‌تواند باشد و باید در فهم آیات قرآن به خود قرآن مراجعه کرد.